



سید بن طاووس شهادت عرفانی امام حسین(ع) را تأیید می‌کند

یک محقق و نسخه‌شناس در نشست نقد و بررسی لهُوف گفت: نویسنده «لهُوف» شهادت عرفانی امام حسین(ع) را تأیید می‌کند، اینکه امام حسین(ع) قصد شهادت داشت، اثبات آن بسیار سخت است و اختلاف بر سر یک کلمه و یا حرف است؛ علم و عزم؛ که آیا امام(ع) علم یا عزم به شهادت داشت و قبل از سید بن طاووس کسی در این زمینه سخنی نگفته است.

یک محقق و نسخه‌شناس در نشست نقد و بررسی لهُوف گفت: نویسنده «لهُوف» شهادت عرفانی امام حسین(ع) را تأیید می‌کند، اینکه امام حسین(ع) قصد شهادت داشت، اثبات آن بسیار سخت است و اختلاف بر سر یک کلمه و یا حرف است؛ علم و عزم؛ که آیا امام(ع) علم یا عزم به شهادت داشت و قبل از سید بن طاووس کسی در این زمینه سخنی نگفته است.

به گزارش خبرگزاری مهر، نشست نقد و بررسی منابع تاریخ عاشورا از سری جلسات صبح کتاب خیمه، روز گذشته 28 مردادماه به کتاب «لهُوف» سید بن طاووس اختصاص داشت که با حضور محمد اسفندیاری، منتقد و پژوهشگر و محمدرضا سنگری، عاشوراپژوه در بنیاد دعبل خزاعی برگزار شد.

محمد اسفندیاری در این نشست طی سخنانی گفت: این کتاب و نویسنده آن شناخته شده است و مهمترین ویژگی این اثر، بسیار خوشخوان و مفید و مختصر بودن آن است و محدود کتابهایی هستند که دارای این ویژگی‌ها باشند و درباره این اثر می‌توان گفت؛ یکی از دلایل نگارش این اثر، گرایشهای عرفانی وی بوده و در دوره جوانی آن را نوشته است که خلایق در آن مشهود است.

وی افزود: این کتاب ده‌ها بار در ایران، عراق و شبه قاره هند به زبان‌های گوناگون منتشر شده است و 10 - 15 ترجمه نیز به فارسی انجام شده است و همواره در ایام محرم مورد توجه مداحان و مرثیه‌سرایان بوده است.

اسفندیاری با بیان اینکه کتاب لهُوف، الگوی کتاب‌های جیبی است، بیان کرد: درباره محتوای این اثر، دو عقیده وجود دارد، یک عقیده اینکه، بسیاری از عالمان مانند آیت‌الله شهید قاضی طباطبایی(ره) کل کتاب را مورد اعتماد کامل می‌دانند و در مقابل برخی خدشه بر این عقیده وارد کرده و معتقدند همه آن مورد اعتماد نیست.

وی در ادامه برخی از اشکالات این اثر را برشمرد و گفت: علم تاریخ از جهت اطمینان بخشی در پایین‌ترین مرحله علوم قرار دارد، به این دلیل که تاریخ مربوط به گذشته بوده و گذشته دور از دسترس است. از این رو راویان اخبار، بخشی از مسائل را دیده و شنیده و بخشی از این دیده‌ها و شنیده‌ها را نقل کرده و بخشی از این نقل شده‌ها را نوشته‌ها و بخشی از این نوشته‌ها باقی مانده و بخشی از آنچه مانده معتبر است؛ از این رو ما در تاریخ نمی‌توانیم با قاطعیت داوری کنیم و این یکی از اشکالات این اثر است. به عنوان مثال در شمار شهدای کربلا اختلاف وجود دارد.

اسفندیاری ادامه داد: بزرگان و عالمان ما به دلیل این اشکالات در تاریخ، باید اجتهاد کرده و با دقت بیشتری موضوع را مورد بررسی قرار دهند، در حالی که این موضوع را کمتر می‌بینیم، از جمله کتاب «لهُوف» که یک تاریخ اجتهادی نیست و اگر سید بن طاووس با این نگاه می‌نوشت، اثری متفاوت خلق می‌کرد. چرا که عالمان در تاریخ اصولی نیستند و دقتی که اصولی‌ها در تاریخ به کار می‌برند، مورخان به کار نمی‌گیرند.

این منتقد گرایش عرفانی سید بن طاووس را یکی از اشکالات دیگر عنوان و اظهار کرد: حادثه عاشورا یک حادثه اجتماعی است، در حالی که تلقی گذشتگان از قیام امام حسین(ع) این گونه نبوده است؛ چرا که در بخشی از این کتاب آمده است؛ «مردم، دستور کتاب و سنت است که ما در این روز جزع و لباس عزا بر تن کنیم»؛ یعنی این گونه بیان می‌کند که اگر دستور کتاب و سنت نبود، می‌توانستیم در این روز شادی کنیم، در حالی که این گونه نبوده است و کشته شدن امام حسین(ع) ضایعه و فاجعه‌ای است.

وی بیان کرد: رفتن اهل بیت امام حسین(ع) در اربعین کربلا به مرقد امام(ع) یکی از اشکالات دیگر است که سید بن طاووس این گونه بیان می‌کند که پس از شهادت امام حسین(ع) و فاجعه کربلا، اهل بیت امام(ع) در اربعین خود را به مرقد امام رساندند، در حالی که در این بازه زمانی امکان برگشت وجود نداشته است، البته برخی آن را تأیید و برخی رد می‌کنند.

اسفندیاری با بیان اینکه نویسنده «لهُوف» شهادت عرفانی امام حسین(ع) را تأیید می‌کند، افزود: اینکه امام حسین(ع) قصد شهادت داشت، اثبات آن بسیار سخت است و اختلاف بر سر یک کلمه و یا حرف است؛ علم و عزم؛ که آیا امام(ع) علم یا عزم به شهادت داشت و قبل از سید بن طاووس کسی در این زمینه سخنی نگفته است و شیخ طوسی نیز علم به شهادت امام

وی در ادامه سخنانش گفت: در کتاب «لهوف» تعارضاتی وجود دارد که جزئی است و نمی‌توان از آن گذشت و یکی از آنها این است که در جایی از کتاب آمده که 12 هزار نامه به امام حسین(ع) نوشتند، اما در بخشی دیگر، مسلم(نماینده امام)، با 18 هزار نفر بیعت کرد که برخی مورخان تعداد نامه‌ها را 50 - 150 نامه دانسته‌اند. در بخش‌هایی از کتاب نیز تحریف صورت گرفته است.

سنگری نیز در این نشست به معرفی نویسنده کتاب، سید بن طاووس پرداخت و گفت: سید رضی‌الدین، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، در نیمه محرم سال 580 قمری در حله به دنیا آمد و در 40 سالگی به بغداد رفت و 15 سال در آنجا ماند. همچنین در کربلا و نجف، هر یک سه سال ماند که در این زمان علاوه بر تربیت شاگردان، همت اصلی خود را بر سیر و سلوک و کسب معنویت قرار داد. وی در سال 664 هجری قمری در سن 75 سالگی و در شهر بغداد وفات کرد و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

وی افزود: نگارش 50 - 60 عنوان کتاب را به وی نسبت داده‌اند که این امر نشانگر پرکاری وی بوده است و یکی از این کتاب‌ها «لهوف» است که همواره مورد توجه بوده و یکی از معتبرترین منابع تاریخ عاشورا است.

سنگری با اشاره به رویکرد کتاب «لهوف» گفت: نام کتاب، رویکرد این اثر را به ما نشان می‌دهد. در تاریخ مقتل‌نگاری و کتاب‌هایی که به ویژه از قرن هفتم به بعد نوشته شده‌اند، با رویکرد سوگ هستند؛ از این رو اینکه به ابعاد گوناگون حادثه کربلا پرداخته شده باشد، در آن وجود ندارد؛ چرا که با توجه به اینکه در آن زمان کتاب‌های جیبی و با بافت و ساختار مرثیه‌ای مخاطب داشت، به همین دلیل وی این نیاز را احساس کرده و کتاب «لهوف» را در راستای رفع این نیاز به نگارش درآورده است.

وی ادامه داد: این کتاب، بسیار مختصر و مفید بوده و در قطعی به نگارش درآمده که مردم به راحتی بتوانند آن را مطالعه کنند. البته افرادی، حتی مترجمان زمان معاصر نیز بر این اثر افزوده‌اند، از جمله ترجمه عقیقی‌بخشایشی، که توسط وی بخشی به آن افزوده شده است.

سنگری، سید بن طاووس را فردی صاحب ذوق خواند و اظهار کرد: چاشنی‌های ادبی در متن این اثر به وضوح به چشم می‌خورند؛ چرا که در جای جای آن شعرهایی وجود دارد که در دوره صفویه و پس از آن کتاب‌هایی از این دست زیاد است و شکل افراطی به خود گرفته و گاه بیشتر از متن هستند.

وی در ادامه به اعتبار این کتاب اشاره و عنوان کرد: مقام معظم رهبری در سخنی این اثر را معتبرترین کتاب نامیده است و شاید شیوه این کتاب، نرم‌نگاری و بهره‌گیری از شعر در متن است و ساختار داستانی دارد که الگویی برای نویسنده کتاب «روضة الشهداء» نیز بوده است.

سنگری ادامه داد: ترجمه‌های بسیاری از کتاب «لهوف» انجام شده که همه مناسب نیستند، اما ترجمه سیداحمد فهری مناسب است و حتی شعرهایی را که به زبان عربی در میان متن وجود دارد، به فارسی به نظم درآورده است که نشان از ذوق و قریحه شعری وی بوده و عنوان آن را «آهی سوزان بر مزار شهیدان» گذاشته است.

این پژوهشگر در ادامه بخش‌های گوناگون این اثر را مورد اشاره قرار داد و بیان کرد: کتاب دارای سه بخش است که هر بخش تحت عنوان مسلک است و مسلک نخست، با تولد امام حسین(ع) آغاز می‌شود و بخش عمده‌ای از زندگی امام حسین(ع) را که در رابطه با پدر و برادرش بوده است، نمی‌نویسد؛ از این رو اگر کسی این کتاب را با نگاه تاریخی بنگرد، نمی‌تواند آن را مورد استفاده قرار دهد؛ چرا که هدف نویسنده، تبیین سوگ و مصیبت حادثه عاشورا بوده است نه بیان تاریخ.

وی تصریح کرد: مسلک دوم از سخنرانی امام حسین(ع) در کربلا آغاز می‌شود، بنابراین بخش‌هایی از مهاده(نه جنگ و نه صلح) را ندارد و سپس شب عاشورا در آن تبیین شده است و مسلک سوم نیز با خاکسپاری شهدا در شب سوم آغاز می‌شود و در واقع به مسائل پس از شهادت امام حسین(ع) پرداخته است.

سنگری در بخش دیگری از سخنان خود، گفت: اگر نویسندگان سبب نگارش کتاب را می‌نوشتند در این صورت می‌توانستیم بدانیم چه بخش‌هایی افزوده شده و یا کم شده است و این اشکال در روزگار ما نیز وجود دارد. یکی از مسائل مهمی که در نقد کتاب وجود دارد، این است که باید کتاب را از منظری ببینیم که نویسنده آنرا نگاشته است و در این اثر هدف تبیین سوگ بوده

است و اگر کتابی با نگاه عرفانی نوشته می‌شود، در گزینش مطالب نقش دارد و آن را نباید تخطئه کنیم که چرا مواردی را نوشته یا آنها را حذف کرده است.

این عاشوراپژوه با اشاره به توان علمی این نویسنده گفت: منابع مورد استفاده در کتاب «لهوف» نوشته نشده است؛ چرا که در غیر این صورت حجم آن بسیار افزایش می‌یافت در حالی که سیدبن طاووس چنین منظوری نداشت و می‌خواست کتابی با حجم کم و مفید برای مخاطب عام بنویسد. از سوی دیگر مسئله ذوق و عرفان وی است که باید آن را از منظر عرفانی مورد توجه قرار دهیم. همچنین با توجه به اینکه مولانا با سیدبن طاووس هم عصر بوده است، مولانا داستانی را مطرح می‌کند که معلوم می‌شود در محافل و مجالس سوگواری بوده است، بنابراین بیان سوگ در آن دوره حائز اهمیت بوده است.

سنگری در پایان سخنانش بیان کرد: کوتاهی و اجمال سیدبن طاووس را ناگزیر کرده که وی بسیاری از مطالب را مطرح نکند. از سوی دیگر با توجه به اینکه این اثر را در اوایل دوران بلوغ به نگارش درآورده است، نمی‌توان در اعتبار آن شک کرد و این موضوع از ارزش این اثر نمی‌کند؛ چرا که مدت‌ها پس از این دوران نیز، در جای جای کتاب‌های خود این اثر را ستوده است و در هیچ دوره‌ای از زندگی خود آن را نفی نکرده است.